

آموزش تحلیل سیاسی /مقابله با دشمن (۲)

۳. مسأله‌ی اتحاد مسئولان کشور: برنامه‌ی دشمن، دامن زدن به اختلافات و تشدید شکاف و دوقطبی در بین مسئولین و به تبع آن در جامعه است. واضح است که این موضوع تا چه اندازه می‌تواند مخرب باشد، مخصوصاً آنکه کشور در شرایط "جنگ اقتصادی" قرار دارد و مخابره‌ی پیام چندصدایی میان مسئولان می‌تواند دشمن را برای ادامه‌ی راهبرد خود امیدوار کند. به‌عنوان مثال، رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب، حساب ویژه‌ای برای جلسه‌ی دیروز سؤال از رئیس‌جمهور باز کرده بودند و در روزهای اخیر، با انواع و اقسام حیل‌های رسانه‌ای، درصدد روشن کردن آتش اختلاف میان مسئولان بودند. اما دقیقاً خلاف این نقشه‌ها اتفاق افتاد و «جلسه‌ی دیروز مجلس، نمایش اقتدار و ثبات جمهوری اسلامی ایران بود و خداوند به آقای رئیس‌جمهور و قوه‌ی مقننه خیر بدهد که مشترکاً چنین نمایش اقتداری را نشان دادند.



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۷۷ / دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۷

اختلاف افکنی بین ایران و عراق در جنگ رسانه‌ای

جوان: بی‌تردید مثلث شرارت «عبری، غربی، وهابی» از اتحاد استراتژیک سه کشور ایران، عراق و سوریه حول محور حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام به شدت احساس خطر می‌کند و نزدیکی سه کشور را به منزله اتصال محور مقاومت و رسیدن ایران به مرزهای سرزمین‌های اشغالی فلسطین و به صدا درآمدن ناقوس مرگ رژیم صهیونیستی دانسته و برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین ایران و عراق به آب و آتش زده و تمام قدرت رسانه‌ای خود را به میدان آورده است. برخی از مهم‌ترین اهداف دشمن از پروژه اختلاف‌افکنی از این قرار است: ۱ - تکمیل ناتوی فرهنگی با از بین بردن قداست شهرهای مذهبی مشهد، نجف، قم و کربلا. ۲ - تحت‌الشعاع قرار دادن و تضعیف اربعین به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع جهان تشیع. ۳ - قطع کردن ارتباط ایران در محور مقاومت و شکستن هلال طلایی شیعی. ۴ - تقویت موقعیت تضعیف شده رژیم سعودی حاکم بر حجاز. ۵ - امتیازگیری از ایران در جنگ ادلب در سوریه. ۶ - تقویت جبهه وهابی در داخل عراق. ۷ - بسترسازی برای راه‌اندازی و تشدید جنگ عرب و عجم. ۸ - خارج کردن بازار عراق از اقتصاد ایران و جایگزینی سعودی‌ها در اقتصاد عراق. ۹ - از بین بردن اقتصاد گردشگری حداقل ۸ میلیون گردشگر عراقی و ایرانی. ۱۰ - اعمال فشار بر مردم عراق از سوی امریکا جهت مشارکت و همراهی در تحریم‌های آتی.. باید مسئولان و اصحاب رسانه و نهادها و دستگاه‌های مسئول به گوش و به هوش باشند که اقلیتی جوگیر و کم‌خرد همان‌طور که آتش در سپاه مختار ثقفی روشن کردند هم‌اینک پازل دشمن را تکمیل نکرده و آتش تفرقه را در دو کشور شعله‌ور نکنند.

ضرورت همکاری جدید

اعتماد: با توجه به شرایط تحریمی کشور باید با اقتصادهای نوظهور همکاری‌های چندجانبه و مراودات تجاری بیشتری برقرار کنیم. چون در زمینه همکاری، چیزهای زیادی را از ایران طلب نمی‌کند و از طرفی همکاری با سایر کشورها می‌تواند تا حد زیادی از آثار تحریم بکاهد. حتی می‌شود گفت که همکاری با ترکیه بهتر از همکاری با چین است، چرا که قدرت‌های اقتصادی در توافقات، مفاد بیشتری از طرف مقابل درخواست می‌کنند که با توجه به شرایط کشور، عمل به وعده‌ها سخت‌تر می‌شود.

جنگ خانگی

صبح نو: تجربه سوریه برای دول استعماری این آموزه را داشته که مخرب‌ترین راهکار برای مقابله با موجودیت‌های مقاوم، تخریب از درون به واسطه خرابکاری‌های داخلی است؛ در واقع آنها در ناخودآگاه خود پذیرفته‌اند که اولاً توان عملیات نظامی موفق را ندارند و در ثانی اگر در حمله نظامی نیز توفیق یابند، نیروهای مقاومت را تقویت کرده و عملاً با شرمندگی مجبور به خروج از کشورهای اشغالی شده‌اند. خرابکاری‌های داخلی طیف متنوعی را در برمی‌گیرد؛ از حملات کور دسته‌های تروریست در نقاط مرزی، انجام عملیات در شهرهای مرکزی، به آشوب‌کشاندن درخواست‌ها و مطالبه‌های مردمی، تقویت شکاف‌های قومی-مذهبی و... آنچه در ایران و پیرامون آن در سال‌های اخیر (از سوی اوباما و با فشار بیشتر ترامپ) صورت می‌گیرد، شتاب‌دادن به چنین حرکت‌هایی است تا در مقیاس جهانی مسأله فلسطین را به طور کامل به فراموشی سپارند (نمونه‌اش اقدام ترامپ برای شرکت در جلسه ۱۰ مهرماه شورای امنیت)، در مقیاس منطقه‌ای اجازه هژمون‌شدن به قدرت مقاومت را ندهند و در مقیاس ملی، موتور محرکه اصلی را مختل کنند. ترامپ ژاندارم سیاست خارجی توسعه‌گرای آمریکا برای تحقق افسانه صلح بزرگ در خاورمیانه است که در آن موجودیت اسرائیل باید حذف شود و همه دول مرتجع پول‌دار نیز به زیر یوغ آن درآیند. جنگ خانگی آمریکایی‌ها چهل سال پیش در ایران تجربه شد و همه جریان‌های معارض، سرکوب و منکوب شدند؛ آمریکایی‌ها حالا با پول سعودی در حال آتش‌بازی جدیدی بوده و فکر می‌کنند که خودشان زبانی نخواهند دید.

اسرائیل پشت پرده حوادث بصره

جوان: چند روز پیش وزیر دفاع رژیم صهیونیستی از تصمیم خود برای هدف قرار دادن اهداف منتسب به ایران در عراق پرده برداشت و این نشان می‌دهد که این رژیم در کمین ناامنی‌های داخلی عراق نشسته است. در واقع این دولت ترامپ است که با کارگردانی راستگرایان صهیونیستی و سعودی تسویه حساب‌های خود را با ایران به کشورهای منطقه از جمله عراق و لبنان کشانده است و با وجود اینکه بیش از سه ماه از برگزاری انتخابات در این دو کشور می‌گذرد، اما از تشکیل دولت‌های جدید ممانعت می‌کند. در واقع اتهاماتی که به ایران در خصوص تطویل تشکیل دولت عراق زده می‌شود تلاشی برای سرپوش گذاشتن بر مانع‌تراشی‌های امریکا و همپیمانانش و ایجاد حاشیه امن برای استمرار آن است. در مجموع می‌توان گفت: دولت و به طور کلی نظام سیاسی جدید عراق نیز در معرض همان هجمه و خطری قرار دارد که نه تنها ایران بلکه خیلی از کشورهای جهان را که در پی چندجانبه‌گرایی هستند، تهدید می‌کند و در چنین شرایطی جایابی درست از اهمیت راهبردی برخوردار است و در صورتی که مخالفان یکجانبه‌گرایی در کنار هم باشند و صف متحدی تشکیل دهند می‌توانند هم خود را از مخاطرات ائتلاف راستگرایان آمریکایی، صهیونیستی و نوکیسه‌های سعودی و اماراتی نجات دهند و هم اینکه به تکوین نظم نوین جهانی با محوریت چندجانبه‌گرایی کمک کنند و در سایه آن صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین کنند.

جنگ روایت‌ها از پوشک تا موشک

کیهان: سال ۲۰۰۱ اندیشکده آمریکایی رند کتابی پژوهشی با عنوان «شیکه‌ها و جنگ‌های شبکه‌ای» منتشر کرد. آنان می‌نویسند: «در جنگ‌های فردا برنده کسی نیست که بزرگ‌ترین بمب‌ها را دارد، کسی است که بهترین روایت را دارد.» اهمیت و عمق این نظر را می‌توان در نظرات متفکران قرن‌ها پیش هم جست.

مفهومی که اینک تحت عنوان «پیروزی بدون جنگ» مورد توجه محافل دانشگاهی، رسانه‌ای، نظامی و دولت‌هاست. دنیای امروز خالی از جنگ و بمب نیست و هر کشوری برای تضمین امنیت و حتی بقای خود نیاز به بمب و موشک دارد اما در سطحی بالاتر از جنگ بمب‌ها و موشک‌ها، جنگ روایت‌ها در جریان است. روایت غلط، مغرضانه و مودیانه غرب از توان موشکی جمهوری اسلامی یک نمونه از جنگ روایت‌هاست. در حالی که توان موشکی جمهوری اسلامی برای دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور و مردم است، غرب آن را تهدیدآمیز معرفی می‌کند و می‌گوید عامل مشکلات اقتصادی شما ملت همین موشک‌ها هستند و یا در لشکر مزدوران سایبری این مضمون را کوک کردند که کشوری که در کار پوشک مانده را چه به موشک! حال آنکه کمبود مقطعی و مصنوعی پوشک کار همان کسانی بود که اگر به طور مستقیم پیاده نظام جنگ اقتصادی دشمن نباشند، در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی، حرص و طمع ناشی از لیبرالیسم اقتصادی و اصالت سود، آنان را به محترمانی حقیر تبدیل کرده که به پوشک کودکان نیز رحم نمی‌کنند. اما وخیم‌تر و خطرناک‌تر از وضعیت اقتصادی، حال و روز افکار عمومی است که تقریباً بی‌پناه و دفاع، تحت شدیدترین و سهمگین‌ترین جنگ روانی و بمباران دشمن قرار دارند. جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن علیه ملت ایران اگرچه از هر ابزاری که در دسترس آن باشد بهره می‌گیرد اما به دلایل مختلف جنگ امروز «اینترنت پایه» است. تنوع، جذابیت و قابلیت‌های گوناگون فضای مجازی آن را به ابزار اصلی این جنگ تبدیل کرده است. این ابزار نسبت به اغلب ابزارهای دیگر عملیات روانی، هزینه‌ای فوق‌العاده اندک دارد و مخاطبین بیشتری را درگیر می‌کند و ۲۴ ساعته است. وجود چیزی حدود بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون گوشی هوشمند، هر فرد ایرانی را به یک هدف سهل‌الوصول و کاملاً در دسترس در جنگ روانی تبدیل کرده است. کسی فضای مجازی را نمی‌تواند محدود و کنترل کند و هرکس چنین افکاری در سر دارد، یک دیکتاتور ضد آزادی بیان و گردش اطلاعات است که از توهم امکان محدود کردن فضای مجازی رنج می‌برد. اما همین غول‌های رسانه‌ای موجود در غرب به تازگی صدها حساب کاربران ایرانی را حذف کردند. چرا؟ چون این کاربران رژیم صهیونیستی و ارزش‌های غربی را به چالش می‌کشیدند. پایبندی به «گردش آزاد اطلاعات» ادعای طنزآمیزی است. تسلط حریف بر ابزارهای رسانه‌ای و برخورداری آن از تجربه و توان فنی و تکنیکی بالا، نباید ما را دچار رعب و به دنبال آن انفعال کند. ما در این میدان نه تنها می‌توانیم پدافندی موثر داشته باشیم و افکار عمومی خود را از بمباران سهمگین دشمن در امان بداریم بلکه قادریم دست به عملیات تهاجمی زده و حریف را در موضع دفاعی قرار دهیم

شکست اقتصاد لیبرال شکست انقلاب اسلامی نیست

وطن امروز: بررسی تاریخ ۶۰۰-۵۰۰ ساله غرب مدرن در دوره تاریخی پس از فروپاشی نظام فئودال در قرون وسطی و نقطه عطف تاریخی رنسانس و تدقیق در سیر تمدن‌سازی غرب نشان می‌دهد نمی‌توان و نباید از تحقق تمدن اسلامی که والاترین آرمان در مسیر و فرآیند انقلاب اسلامی است، ناامید شد. تاریخ غرب مدرن از قرون چهاردهم و پانزدهم شروع شده ولی از قرن هفدهم یعنی حداقل ۲۰۰ سال بعد به «نظام‌سازی» می‌رسد. نکته مهم‌تر اینکه شکست مارکسیسم در قرن بیستم نیز شکست یک مکتب غیرمدرن نیست. تفکرات مارکس یا لااقل آنچه بعد از مرگش از تفکرات او تحلیل و تفسیر و بسط داده شده، ذیل تفکر سکولار مدرن قابل بررسی است. بدهی خارجی ایالات متحده حدود ۲۱ هزار میلیارد دلار است که چند هزار میلیارد بیش از تولید ناخالص داخلی این کشور است. اروپا و حوزه یورو به صورت جدی با بحران اقتصادی مواجه است. هیچ‌کدام از این کشورها خواهان نابودی اسرائیل و معتقد به سیاست‌های ضداستکباری نیستند و حقوق بشر لیبرال را هم پذیرفته‌اند، نظام ولایی هم ندارند، حامی یمن و سوریه و عراق هم نیستند. در داخل کشور نیز حداقل در حوزه اقتصاد می‌توان به ضرس قاطع بیان کرد آنچه امروز کشور در حال برداشت آن است، حاصل کاشت چند دهه سیاست‌های اقتصادی جریان غرب‌گرا در اصلی‌ترین اتاق‌های فکر و مراکز تصمیم‌سازی تحت نظر دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام است که مجری سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای با مبانی فکری و فلسفی غرب سکولار است. حاصل تفکرات تکنوکرات‌های از فرنگ برگشته‌ای است که بعد از سال ۶۸ مهم‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری اقتصادی و فرهنگی کشور را قبضه کردند؛ افرادی که صراحتاً بیان می‌کنند: «اسلام اقتصاد ندارد». اتفاقاً همین گزاره که باور قلبی تکنوکرات‌ها بوده بخوبی نشان می‌دهد طی چند دهه گذشته، به‌رغم وجود یک نظام سیاسی اسلامی، یک نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام نداشته‌ایم. نباید نتایج سیاست‌های اقتصاد لیبرال را به اسلام و نظام اسلامی منتسب کنیم و پس نتیجه باید گرفت که شکست اقتصاد لیبرال شکست انقلاب اسلامی نیست.

